

اهدای تندیس شهید سورانی به موزه سینما

همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر، تندیس شهید گمنام دریاقالی سورانی توسط حبیب احمدزاده به نمایندگی از رزمندگان و مردم آبادان و محمدرضا تقی پور، مدیر موزه صلح تهران به موزه سینمای ایران اهدا شد. در اهدای این تندیس حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان به نمایندگی از مردم آبادان گفت: برای اهدای این تندیس دلایل زیادی وجود داشت، ابتدآن‌که از سینمای ایران برای شناساندن حماسه و رشادت‌های یکی از هومطان آبادانی

ما به دیگر مردم کشور تشکر شود، او ادامه داد: دریاقالی کسی بود که دقیقاً در لحظه انتخاب بین مردی و نامردی، اولی را انتخاب کرد و نه تنها مردمان شهرش رانجات داد بلکه شاید تاریخ آینده کشورش را نیز رقم زد و سینما دین خود را با ساخت دو اثر از شهید دریاقالی، یکی مستند «بهترین مجسمه دنیا» و دیگری فیلم سینمایی «شب واقعه» اداکرد و پس از آن بود که حماسه فراموش نشدنی این مرد در کتاب درسی ششم دبستان نیز قرار داده شد. احمدزاده مطرح کرد:

به همین دلیل تصمیم گرفته شد تندیس این مرد آبادانی در موزه سینمای کشور قرار داده شوددر محلی مناسب برای عموم مردم به نمایش درآید تا برای یازدیدکنندگان موزه که از سراسر کشور و جهان می آیند قصه او دوباره بازگو شود. در ادامه محمدرضا تقی پور، مدیر موزه صلح تهران همراه حبیب احمدزاده، رسول صدراعلمی و رضا کیانیان، تندیس قهرمانان گمنام منسوب به شهید دریاقالی سورانی را به مجید اسماعیلی مدیرعامل موزه سینمای ایران اهدا کردند.



غفلت از جادوی عروسک‌های ایرانی

در هفته میراث فرهنگی داشته‌های هنری کشور را دریابیم



بخش شوخی در غفلت نهادهای دولتی، موزه خیمه‌شب‌بازی را در خیابان قسطنطنیه راهاندازی کرده است

مبارک، سیاه خوشمزه زرخیزی که ریشه در اسطوره‌های کهن دارد، با لبخندی طنزآنانه همراه مرشد پیر در جست‌وجوی مدینه فاضله در دنیای هنرهای نمایشی ایران است. سال‌هاست چراغ خیمه مبارک دیگر فروغ گذشته را ندارد. گویی این سیاه خوشمزه که روزگاری شیرینی نقل ماجراهای او در کاخ شاهان و در گذر اصلی شهرها پای هر رهگذری را سست می‌کرد و شنیدن صدای صغیر بگو‌مگوهایش با مرشد، لبخند معنی‌داری را بر لب هر رهگذر می‌نشاند، در سایه مدزیتکه گم شده‌است. هرچند صدای سوت‌سوت خیمه‌شب‌بازی دیگر در کوی و برزن شهر شنیده نمی‌شود؛ ولی ذات این هنر باستانی همچنان آبخشور هنرهای نمایشی ایرانی است.

خیمه جادوی کهن ایرانی

ریشه خیمه شب‌بازی را به سال‌های دور و درازی نسبت می‌دهند؛ روزگاری که برای نخستین بار عروسک‌ها به اسباب‌بازی کودکان و دست‌افزار روایت‌های ملی و محلی تبدیل شدند. آنچه در ذهن ما از خیمه‌شب‌بازی به جامانده بیشتر به خیمه‌ای کوچک و عروسک‌هایی که با نخ کنترل می‌شوند؛ مرشدی آوازخوان و تبک‌نواز و گاهی همراهی دو نوازنده کمانچه یا تار محدود می‌شود؛ ولی باید گفت ذات جادویی خیمه‌شب‌بازی فراتر از این خاطره‌های کم‌رنگ در تاریخ بشر است و خیمه‌شب‌بازی بخشی از استحاله شخصیتی شگفت و کهن به درازنای تاریخ ایران‌زمین به‌شمار می‌رود که گاه در قامت مبارک در خیمه‌ای جادویی و گاه در هیبت سیاه طناب‌ز بر صحنه خاکی ظاهر می‌شود تا بگوید آنچه را که مردم می‌خواهند. در طول تاریخ خصیصه اصلی نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی و سیاه‌بازی طناب‌ز و شادی بخشی بوده و تاثیر عمیقی در ذهن مخاطب به جامی گذاشته، چنان‌که به بخشی از میراث ملی ایرانیان تبدیل شده‌است. جواد انصافی، کارگردان و بازیگر در این‌باره می‌گوید: خیمه‌شب‌بازی بیشتر روی مسائل شادین‌آور و طنز متمرکز است و کمتر تمایلی به روایات جدی دارد. حتی اگر قصه راوی وقایع جدی باشد، آن قصه بر پایه طنز اجرا خواهد‌شد. به‌عنوان مثال می‌توان به روایت ماجرای امیر ارسلان پرداخت؛ ولی ماجرا با محوریت نگاه طنزآلود روایت می‌شود.

شادی‌بخشی که امروز نیاز جامعه است

انصافی درباره دلیل این موضوع تصریح می‌کند: مبنای خیمه‌شب‌بازی بر پایه شادی بخشی و مخصوصا برای ارتباط با نسل کودک و نوجوان است و البته غیرمستقیم نیز برای بزرگسالان اجرا می‌شود. در واقع به‌وسیله خیمه‌شب‌بازی می‌توان بسیاری از قصه‌ها و بازی‌های کهن را اجرا کرد. انصافی با اشاره به قابلیت‌های خاص عروسک‌ها توضیح می‌دهد: انتخاب عروسک به عنوان شخصیت به این دلیل بوده که برخی موارد را نمی‌توان در نمایش عادی نشان داد؛ ولی در خیمه‌شب‌بازی و نمایش عروسکی انجام آن ساده‌تر است و می‌توان راحت‌تر قصه را پیش برد.

خاستگاه عروسک‌های ایرانی

پوپک عظیم‌پور، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و عضو کمیته پژوهش بینویمای جهانی نیز از نقش عمده عروسک‌ها در تمدن، فرهنگ و زندگی ایرانیان باستان و پیکره‌های باران‌ساز یا تمنا باران یاد و بیان می‌کند: در میان بسیاری از عناصر و قوم‌های ایرانی همراه با کودکی که تازه متولد می‌شود، پیکره‌ای را به‌عنوان همزاد در گهواره‌اش قرار می‌دهند تا کودک از چشم شور و نظره‌های بد در امان باشد،

اجرای خیمه‌شب‌بازی داریم و در دوران قاجاریه انواع این‌گونه نمایش رایج می‌شود.

کمبود پژوهش‌های اصل

پوپک عظیم‌پور نیز درباره هویت نمایش عروسکی ایرانی اظهار می‌کند: جهان، نمایش عروسکی ما را به خیمه‌شب‌بازی می‌شناسد اما متأسفانه درباره خیمه‌شب‌بازی، پژوهش‌های اصیل و برجسته‌ای نکرده‌ایم. در برهه‌ای برخی از استادان به این امر توجه کردند اما بعد از یادرفته است. بی‌توجهی، سهل‌انگاری و بی‌علاقگی همه موجب این کم‌کاری شده است. گاهی وقت‌ها در بین اهالی تئاتر و تئاتر عروسکی می‌بینیم که اساطیر یونانی را بهتر از اساطیر ایرانی می‌شناسند، در حالی که شخصیت‌های قدرتمندتری در اساطیر ما تجلی کرده‌اند که می‌توانند دستمایه نمایش عروسکی قرار بگیرند.

انصافی در پاسخ به تفاوت‌ها در اجرا و انتخاب گزینه‌های دیگر به جای خیمه در خیمه‌شب‌بازی تصریح می‌کند: البته ممکن است اجرا به‌صورت کونی خیمه‌شب‌بازی نبوده باشد ولی باز هم عروسک وسیله‌ای برای بازی یا بازی‌گری و بیان روایات یا داستان‌ها بوده است. در فرهنگ برخی شهرها مثل شیراز، خُم‌بازی وجود دارد که عروسک‌ها درون خمره بزرگی‌اند و بیشتر این عروسک‌ها از نوع دستکشی یا انگشتی هستند.

انصافی درباره سابقه شخصیت سیاه نیز که مابه‌ازایی برای مبارک خیمه‌شب‌بازی در دنیای نمایش صحنه‌ای است، بیان می‌کند: قصه‌های کتاب سمک عیار مربوط به دوران اشکانی است. نکته جالب این‌که سمک عیار را در برخی از فرازهای روایت، با نام سياهو صدا می‌کنند. در بخشی از قصه نیز روایت شده که سمک در برابر رقیب غول‌آسایی قرار می‌گیرد و متوجه می‌شود به‌طور مستقیم نمی‌تواند از پس این رقیب قوی هیکل برآید. سمک به این نتیجه می‌رسد که اینجا باید از فنون عیاری استفاده کند.

این کم‌دین ادامه می‌دهد: سمک از کیسه خود

دوایی بیرون می‌آورد و به صورتش می‌مالد و چهره‌اش را سیاه می‌کند. سپس شروع می‌کند به شکلد درآوردن. حریف سمک از این رفتار وی می‌خندد و اظهار می‌کند سیاه بزننگی را ببین که می‌خواهد با من جالاد کند. در همین فاصله که وی مشغول خندیدن است، سمک از فرصت استفاده کرده و با انداختن کمند، او را به بند می‌کشد. گویی نوعی نمایش سیاه‌بازی وجود داشته که سمک از آن الهام می‌گیرد.

پرسونایی که روزگاری قهرمان اسطوره‌ای ایران بود

حقیقتا شخصیت مبارک یا سیاه نیز در وهله نخست یک آدم ضعیف و برمدعا به‌نظر می‌رسد و گویی روایت ماجراهای او فقط برای وقت‌گذرانی است؛ لیکن از زبان همین شخصیت حرف‌ها و نکاتی به گوش جان می‌شنیند که گویی کمندی است که ذهن آدمی را اسیر خود می‌کند. انصافی تصریح می‌کند: در جای دیگر، شخصیتی همچون نسیم عیار که از دوستان سمک نیز هست در برخی موارد خودش را سیاه می‌کند و به نام آتش‌افروزی نیز شناخته می‌شود. آتش‌افروزی پیام‌آوران نوروزی و عناصر فرهنگی منطقه بزرگی از کردستان تا جنوب و حتی در نطنز کاشان است. پرسونایی که روزگاری قهرمان اسطوره‌ای ایران بود، بارها در جلد شخصیت‌های مختلف در نمایش‌های سنتی و آیینی در اجرای عروسکی یا هنرنمایی بازیگران در دربار شاهی یا میان کوچه‌پویزن‌های شهر با لبخندی درخشان و چهره‌ای سیاه، جانی تازه در رگ‌ها

یا هنرهای نمایشی فلات بود. انصافی، نویسنده کتاب «سیاه‌بازی از نگاه سیاه‌باز» ریشه و تاریخچه شخصیت سیاه‌راه‌دوران اشکانیان می‌رساند و به شخصیت‌های ثبت‌شده در تاریخ ساسانی، همچون نوروز و پیروز اشاره می‌کند.



زنگ‌ها برای مبارک به صدا درآمده‌است؟

مهجورشدن و از دست‌دادن استادان این فن از آسیب‌های بزرگی است که زنگ‌های خطر را برای ادامه اجرای اصیل خیمه‌شب‌بازی به صدا درآورده است. انصافی در پاسخ به جایگاه آموزش در ماندگاری خیمه‌شب‌بازی می‌گوید: امروزه نیز گاهی تلاش می‌شود که جوانان اطلاعات لازم درباره آن را پیدا کنند؛ ولی متأسفانه استادان کلیدی و اثرگذاری که ما در خیمه‌شب‌بازی همچون استاد خمسه‌ای و دیگران داریم، دیگر در بین ما نیستند. من اعتقاد دارم که متأسفانه دانشگاه ما روی این قضیه بسیار کم کار کرده است. از سویی آموزش شاگرد‌ها و اساسا هنر خیمه‌شب‌بازی هیچ‌گاه در بخش آکادمیک هنر ایرانی جایگاهی شایسته پیدا نکرده و گویی گمان بر این‌است که روزگاران به‌پایان رسیده‌است‌اما پرسش اینجا‌است که هنرهایی از این دست حداقل به‌عنوان بخشی از میراث ملی ایران، آیا شایسته نگاه اصلاح‌گر و نفاذانه پژوهشگران آکادمیک نیز نیستند؟

قاب

هوشنگ مرادی‌کرمانی در بستر بیماری

راوی «قصه‌های مجید» این روزهای بهاری را در بستر بیماری سرمی‌کند. استاد هوشنگ مرادی‌کرمانی در گفت‌وگویی با جاجم بیان کرد: این روزها به دلیل بیماری زونا در خانه بستری هستم و فرآیند زونا نیمی از صورت و یکی از چشمانم را درگیر کرده است. این استاد قصه‌گو در پاسخ به توصیه خبرنگار ما برای آرامش هرچه بیشتر که روند درمان را بهبود می‌بخشد، به این نکته اذعان کرد: «از صبح که برمی‌خیزم همه‌اش ناآرامی و ناآرامش است»

برای استاد مرادی‌کرمانی از درگاه خداوند مهربان، خواهش بهیودی و بهنودی داریم.

برش

میراث‌داری یک تنه

هنرمندی هم یک‌تنه حدود ۶۳ سال در حال تلاش برای حفظ میراث ملی نمایش ایرانی بود که مورد نققدی قرار نگرفت.

زننده‌یاد ماشاء...! اسدی‌نژاد از استادانی بود که در طی دوران معاصر در تلاشی خستگی‌ناپذیر برای احیای خیمه‌شب‌بازی کار سرتگ خود را با یک کاری در پارک کوهستانی مشهد شروع کرد و نوآوری‌های او در این زمینه خود نقطه عطفی در تاریخ خیمه‌شب‌بازی است.

محمد اسدی‌نژاد، فرزند ماشاء...! اسدی‌نژاد عروسک‌ساز و هنرمند فقید نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی و سیاه‌بازی مشهد درباره این دوران می‌گوید: سال ۱۳۳۸ نخستین اجرای ماشاء...! اسدی‌نژاد روی کاری اجرا شد که با استقبال گرم مردم با نصب چادر، اجرای نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی ادامه یافت. در کتاب سرگذشت نمایش که سال ۱۳۴۸ چاپ می‌شود آمده است که حدود دو سه سال است که سالن نمایشی در کوهستگی مشهد برای نمایش خیمه‌شب‌بازی ساخته شده



است. به عبارتی شروع اجرا قبل از سال ۱۳۳۸ بوده و بنای سالن در سال ۲۵ ساخته شده است. اجرا تا حوالی سال ۵۶ در سالن نمایش ادامه داشته و بعد از انقلاب نیز به پارک ملت انتقال پیدا می‌کند و مرحوم اسدی‌نژاد تا سال ۸۵ به کار خود ادامه می‌دهد.

در زمانی که هنوز بردن بچه‌ها به سینما رایج نبود و یک مرد تلاش می‌کرد مبارک همچنان «هیروی» نسلی باقی بماند که بعدها نسل سوخته نام‌گرفت، شواهد نشان می‌دهد زننده‌یاد ماشاء...! اسدی‌نژاد علاوه بر شناخت و تسلط بر امور نمایش و درام، نه‌تنها هوش بازاریابی؛ بلکه دید خلاقانه‌ای در مهندسی نمایش داشت و در چند دهه پیش به‌تنهایی در تلاش برای ایجاد یک تحول اساسی و به‌روز کردن خیمه‌شب‌بازی برای سال‌های آینده بود.



برای خواندن گزارش کامل گویارکد روبه‌رو را اسکن کنید

نوا

رونمایی از آلبوم «فراق جان»

آلبوم «فراق جان» با آهنگسازی ناصر ایزدی و خوانندگی سپهر حبیبی، جمعه ۵ خرداد در فرهنگسرای ارسباران، رونمایی می‌شود.

در این مراسم که چهره‌های هنری در عرصه موسیقی شرکت دارند، میزگردی با حضور

میلا کیایی، ناصر ایزدی، شاهرخ سرلک و امیرحامد موسوی در خصوص معرفی و بررسی این آلبوم برگزار و در ادامه با اجرای موسیقی، از آلبوم رونمایی می‌شود. همچنین تجلیل و سپاس از میلا کیایی، نوازنده و آهنگساز پیشکسوت کشور از دیگر بخش‌های این آیین است. آلبوم فراق جان شامل شش قطعه موسیقی با نام‌های: مهر هرویان، ساز و آواز (سه‌گاه)، مستی جان، آفتاب رویت، ساز و آواز (همایون) و فراق جان با اشعاری از عطار نیشابوری، رهی معیری، مولانا، حافظ شیرازی، سعدی و مهدی سهیلی است. میلا کیایی (سننور)، و رحیم رفیعی‌منش (تار) و سایر نوازندگان آلبوم فراق جان، علیرضاریایی (کمانچه)، مسعود آرمش (سننور)، داوود وزیده (نی)، مجید واصفی (تار و تار باباس) و علیرضا شکرانی (تبک) گروه نوازندگان این آلبوم را تشکیل می‌دهند.



جشنواره آنلاین هنرپیشگی «زندگی»

اولین دوره جشنواره ملی هنرپیشگی «زندگی» (بازیگری به روش ساده) خرداد سال ۱۴۰۲ برگزار می‌شود. فراخوان اولین فستیوال ملی هنرپیشگی زندگی با هدف کشف استعداد‌های جدید و نیز در اختیار قراردادن رسانه‌ای برای دیده شدن علاقه‌مندان بازیگری به شکل مجازی برگزار می‌شود. این رویداد هنری تلاش دارد علاقه‌مندان بازیگری در سراسر کشور را در طیف سنی هفت تا ۸۰ سال در جهت ارائه روایت‌های شخصی از زندگی‌شان تشویق و با راهنمایی استادان در مراحل پیشرفته و نهایی در یک رقابت سالم برای برون‌ریزی استعداد‌های‌شان یاری کند. بر همین اساس علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در بخش مقدماتی این رویداد، یک خاطره جذاب از زندگی شخصی خود را که تجربه کرده‌اند در یک ویدئو حداکثر تا چهار دقیقه تعریف و با موبایل فیلمبرداری و سپس به این رویداد هنری شرکت کنند.

این جشنواره در دو بخش کودک و نوجوان و بزرگسالان برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند تا پایان خردادماه با مراجعه به سایت جشنواره www.zendegitheater.com به صورت رایگان آثار خود را ارسال کنند.

